

دانشگاه پیام نور

دانشکده علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

فرهنگ لغات، اصطلاحات و تعبیرات در کتاب شرح زندگی من اثر  
عبدالله مستوفی

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته ی زبان و ادبیات فارسی

۱۳۸۷ / ۲ / ۱۱

مؤلف

عشرت معینی

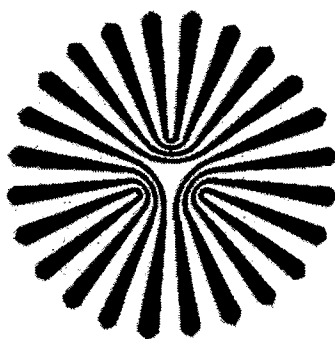
استاد راهنما

دکتر توفیق. ه. سبحانی

تیرماه ۱۳۸۵

۱

۱۰۱۱۹۹



**Payame Noor  
University**

School of Literature and Sciences of Human  
Department of Language and Literature of Persian

**The Diction of Abdullah Mostawfi,s  
“ Sharh-e Zendegani-ye Man”**

Submitted in Partial Fulfillment  
of the Requirements for the Degree of  
M.S. in Language and Literature of Persian

by  
Eshrat Moieni

Supervisor  
Dr. Towfig-H- Sobhani

**June 2006**

## چکیده

### واژگان کلیدی:

#### فرهنگ، لغت، اصطلاح، تعبیر

شرح زندگانی من اثر معروف عبدالله مستوفی است. او یکی از رجال آگاه و منصف دوره ی قاجار بود و می توان او را ابوالفضل بیهقی دوران معاصر به شمار آورد. اثر او یکی از زیباترین نمونه های حسب حال نویسی در ادب فارسی است که با زبانی ساده زندگی روزانه صد سال پیش مردم ایران را به تصویر کشیده است. این کتاب پر از اصطلاحات و تعبیرات و ضرب المثل های آن دوره است.

موضوع این پایان نامه « لغات، اصطلاحات و تعبیرات در کتاب شرح زندگانی من » اثر عبدالله مستوفی است. پس از مقدمه ابتدا در پیش گفتار تعریف هایی از تعبیر، اصطلاح و اصطلاح عامیانه و ضرب المثل ارائه گردیده است. سپس پایان نامه در سه فصل به این ترتیب تنظیم شده :

فصل اول: شرح مختصری از زندگی نویسنده و آثار او

فصل دوم: ویژگی های نثر کتاب

فصل سوم: که بخش اصلی پایان نامه می باشد

تمام لغات، اصطلاحات، اصطلاحات عامیانه و ضرب المثل ها با عنوان فرهنگی جامع از این کتاب تهیه و تنظیم شده است.

ویژگی این فرهنگ بررسی لغات و اصطلاحات از نظر موضوعی است که نموداری نیز در این باره ارائه شده است. در این نمودار بسامد اصطلاحات موجود در کتاب مشخص شده است.

• **Abstract**

“Sharh-e Zendegani-ye Man” is written by Abdullah Mostawfi. He is one of the educated, wise and fair men during the Qajar dynasty.

His book is one of the greatest biographies in Farsi literature, which illustrates the life of Iranian people during the passed century in simple words. His work is full of words, idioms, interpretations and proverbs.

This research is entitled:

“Words, idioms and interpretations of Sharh-e Zendegani-ye Man by Abdullah Mostawfi” and has been submitted at four main parts:

- Part one, the preface which includes explanations of interpretation, idiom, and proverb.
- Part two, the first section of the research, contains brief biography of the writer.
- Second section has described the verse specification of the mentioned work.
- The third section which is the last one is the main part of the research. It shall be the dictionary of all words, idioms, interpretations and proverbs.

To draw a comparison between the utilized items (words, idioms ...) a diagram is added as supplement to the research. This diagram shows that the most applied items are proverbs and idioms.

**Key words:**

Dictionary, Word, idiom, interpretation.

## فهرست مطالب

مقدمه	یک
شیوه تدوین	دو
پیش گفتار	شش

### فصل اول : شرح حال و آثار او

(۱) شرح حال	۱
(۲) آثار او	۳

### فصل دوم: ویژگی های کتاب شرح زندگانی من

(۱) ویژگی های محتوایی	۶
(۲) ویژگی های ظاهری	۱۱
(۳) نتیجه	۱۷

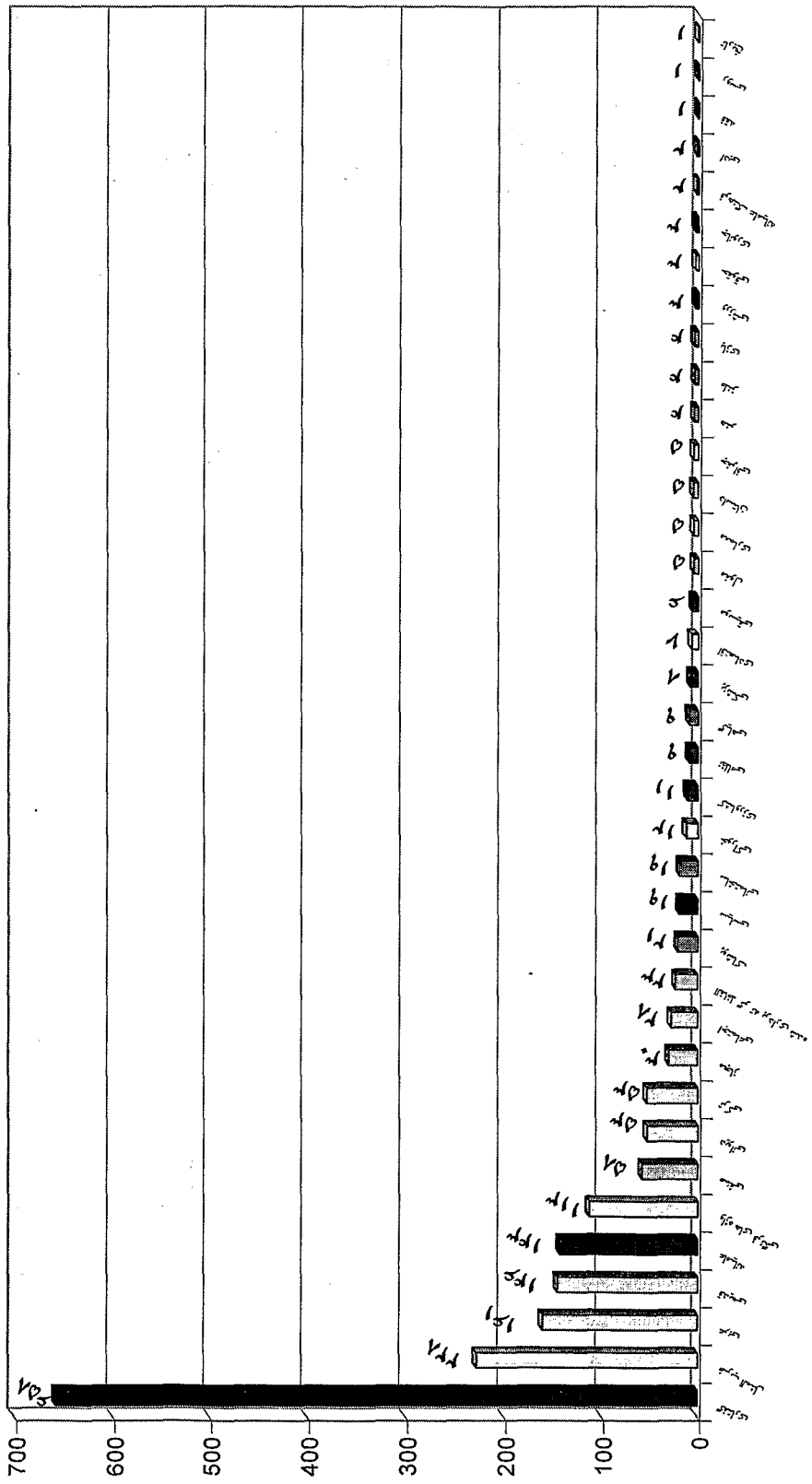
### فصل سوم: فرهنگ لغات واصطلاحات و تعبیرات

آ	۱
الف	۹
ب	۲۵
پ	۴۸
ت	۶۱
ث	۷۴
ج	۷۵
چ	۸۲
ح	۹۱
خ	۹۷
د	۱۰۶
ر	۱۲۹
ز	۱۳۸
ژ	۱۴۴
س	۱۴۵
ش	۱۶۱
ص	۱۷۰
ض	۱۷۱
ط	۱۷۲
ع	۱۷۵
غ	۱۷۸

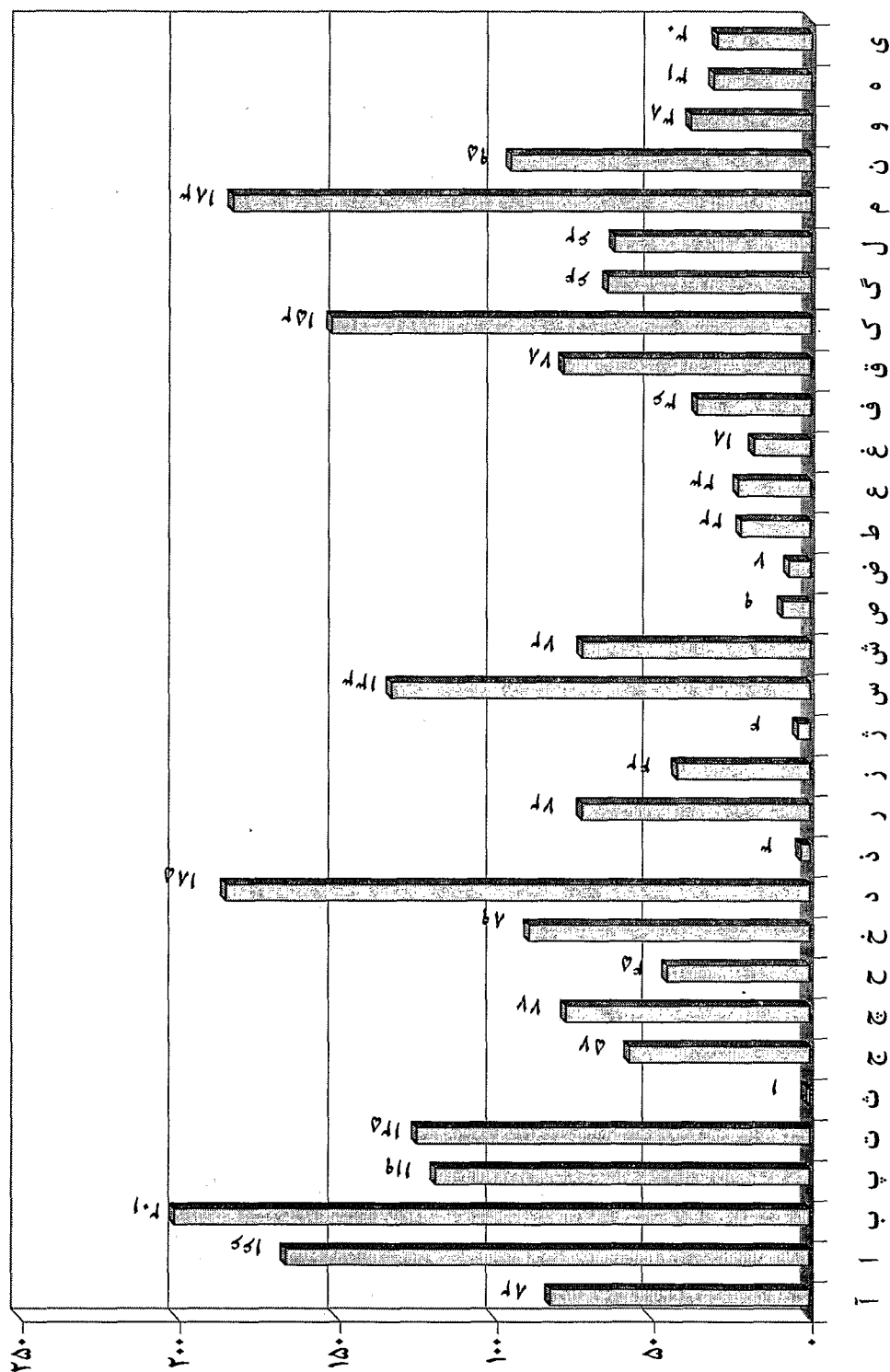
۱۸۰.....	ف
۱۸۴.....	ق
۱۹۴.....	ک
۲۱۱.....	گ
۲۱۸.....	ل
۲۲۵.....	م
۲۴۱.....	ن
۲۵۴.....	و
۲۵۰.....	ه
۲۵۷.....	ی
۲۶۰.....	واژه های فرنگی.....
۲۷۰.....	ضرب المثل.....

۳۰۴..... فهرست منابع و مآخذ.....

نمودار بسامد موضوعی



نمودار کل واژه ها





## مقدمه

شرح زندگانی من اثر معروف عبدالله مستوفی است. او یکی از رجال آگاه و منصف دوره ی قاجار بود. می توان او را به جهت ویژگی هایی چون رک گوئی، صراحت بیان و حقیقت گوئی ابوالفضل بیهقی دوران معاصر به شمار آورد. سادگی و روانی نثر و هم چنین توصیفات دقیق او نیز، تاریخ بیهقی را به یاد خواننده می آورد.

اثر او یکی از زیباترین نمونه های حسب حال نویسی در ادب فارسی است که با زبانی ساده زندگانی روزانه ی صد سال پیش مردم ایران را به تصویر کشیده است. این کتاب پر از اصطلاحات و تعبیرات و ضرب المثل های آن دوره می باشد که در این پایان نامه فرهنگ لغات و تعبیرات و اصطلاحات آن تهیه و تنظیم شده است.

ویژگی این پایان نامه به شرح زیر می باشد:

**اول:** این که در بردارنده ی تمام معانی و مفاهیم واژه ها و تعبیرات و اصطلاحات این کتاب است که با جستجو در فرهنگ های مختلف جمع آوری شده است.

**دوم:** می توان آن را به عنوان فرهنگی از تعبیرات و اصطلاحات دوره ی قاجار به شمار آورد.

**سوم:** بعضی واژه ها، اصطلاحات و تعبیرات یافت شد که از نگاه فرهنگ نویسان محترم دور مانده بود که در صورت نیاز، امید است مورد استفاده ی آن عزیزان هم قرار گیرد.

**چهارم:** واژه ها و اصطلاحاتی از آن که در هیچ فرهنگ موجود به نظر نرسید، و به اقتضای جایگاه لغت یا عبارت معنی آن، به حدس، آورده شده است.

**پنجم:** این فرهنگ علاوه بر بررسی از نظر موضوعی مثل سیاسی، دیوانی، پزشکی و ... سعی شده است که اصطلاحات گفتاری و عامیانه نیز مشخص شوند و نموداری آماری از بسامد اصطلاحات گفتاری و عامیانه و ضرب المثل ها و واژه ها و اصطلاحات قدیمی و همچنین از انواع موضوعات مطرح شده در این فرهنگ ارائه گردیده است که با توجه بدان می توان دریافت که اصطلاحات گفتاری و ضرب المثل ها بالاترین بسامد را در این کتاب دارد و چون مستوفی بسیاری از آن ها را در بیان مسائل سیاسی به کار برده است، می توان آن ها را اصطلاحات اجتماعی - سیاسی به حساب آورد.

تحصیل ابتدایی او در مکتب خانه های آخوندی و هم چنین اهمیت صرف و نحو عربی در مدرسه ی سیاسی در به کارگیری لغات عربی در نوشته ی او موثر بوده است. اما نکته ی جالب توجه این است که فراوانی لغات عربی، سادگی و روانی کتاب را چندان تحت تاثیر قرار نداده است. وجود لغات ترکی هم به سبب ترک زبان بودن رجال حکومت قاجار و غلبه ی این زبان در دربار و در نتیجه رجال دیوانی و در نهایت، مردم می باشد.

در اثر او لغات فرانسوی و روسی نیز دیده می شد که ارمغان تحصیل او در مدرسه ی سیاسی و مشاغل دولتی اوست. لغات خارجی در بخشی جداگانه آورده شده است که در تهیه ی این بخش به توصیه ی استاد راهنما از محضر استاد محترم، آقای ابوالحسن نجفی سود برده ام.

هدف از انتخاب این کتاب بررسی تعبیرات و اصطلاحات و ضرب المثل های آن است که به فراوانی در آن به کار رفته، تا خواننده ی کتاب شرح زندگانی من را از مراجعه به فرهنگ های گوناگون بی نیاز سازد.

### شیوه ی تدوین

ابتدا با مطالعه ی کتاب، اصطلاحات و تعبیرات و ... مشخص شد. سپس برگه برداری به عمل آمد و برگه ها براساس حروف الفبای فارسی تقسیم بندی گردید. در بخش یافتن معانی به فرهنگ های معتبر مراجعه کردم اما به دلیل نبود روشی یکسان در انتخاب حروف اول تعبیرات و اصطلاحات در فرهنگ ها کار دشوار بود و وقت بسیاری صرف شد. ولی با وجود دشواری کار و صرف وقت و با وجود جستجو در فرهنگ هایی مثل دهخدا، معین و ... بخش عظیمی ( بیش از نیمی) از برگه ها بدون معنی باقی ماند.

و من برای یافتن معانی برگه های باقی مانده به فرهنگ های معتبر دیگر مثل فرهنگ فارسی عامیانه، سخن و ... مراجعه و یادداشت برداری کردم. و بعضی از برگه ها که معنی آنها در فرهنگ ها موجود نبود از محضر استادان محترم استفاده کرده و به این ترتیب همه ی مدخل ها پس از تکمیل آماده ی تایپ گردید.

این پایان نامه پس از مقدمه و پیش گفتار در سه فصل تنظیم شده است. در بخش پیش گفتار، تعریف هایی از تعبیر، اصطلاح، اصطلاح عامیانه و ضرب المثل ارائه شده و سعی شده است که تفاوت های آنها مشخص شود. فصل اول شامل شرح حال مختصر نویسنده و معرفی آثار اوست.

فصل دوم با عنوان ویژگی های کتاب در سه بخش ارائه گردیده که بخش اول و دوم آن بررسی ویژگی های محتوایی و ظاهری کتاب و بخش سوم نتیجه گیری بررسی های بخش اول و دوم فصل است.

فصل سوم و آخرین فصل که قسمت اصلی پایان نامه می باشد شامل سه بخش است: بخش اول فرهنگ لغات، اصطلاحات و تعبیرات، بخش دوم واژه های فرنگی (شامل واژه های فرانسوی، انگلیسی و روسی که هم در بخش اول آمده و هم به صورت جداگانه در این قسمت تنظیم شده است) و بخش سوم فرهنگ امثال.

در مجموع بخش اول ۲۳۲۱ مدخل، بخش دوم ۱۱۳ و بخش سوم ۲۲۸ مدخل دارد.

مدخل ها براساس الفبای فارسی تنظیم شده اند و ترتیب قرار گرفتنشان شکل املائی آن هاست. برای تلفظ صحیح، بعضی واژه ها آوانگاری شده اند. واژه ها و عبارت هایی که در فرهنگ ها دارای معانی گوناگونی بودند، تنها، معنی مورد نظر در متن انتخاب شد. بعضی از تعبیرات و اصطلاحات را خود مستوفی توضیحات مفصل و جالبی داده بود که علاوه بر ذکر آن ها، توضیح فرهنگ ها نیز آورده شده تا خواننده خود تفاوت یا شباهت آن ها را ببیند.

مدخل ها از نظر موضوعی نیز، بررسی و با علامت های اختصاری مشخص شده اند که در جدول علائم اختصاری توضیح داده شده است. درضمن، دو نمودار یکی بر اساس بسامد حروف و دیگری بر اساس بسامد موضوعی تهیه شده است.

امیدوارم دستاورد این پژوهش بتواند اثری اندک در فرهنگ زبان فارسی داشته باشد.

در این جا سپاس بی پایان خود را به استادان دانشمند و عالی قدر گروه ادبیات دانشگاه پیام نور نثار می کنم که نگارش این پایان نامه از رهنمود و زحمات بی دریغ آنان مایه گرفته است. خود را مرهون زحمات استادان فرزانه جناب

آقای دکتر توفیق سبحانی (راهنما) و سرکار خانم دکتر فاطمه کوپا (مشاور) می دانم که در مسیر تحقیق اینجانب راه گشا و راهنمایم بوده اند و با سعه ی صدر دست نوشته هایم را با علاقه مطالعه فرموده و نظرات ارزشمندشان به این پایان نامه قوام بخشیده است و آنچه جزو بضاعت علمی من شده حاصل توجه و مراقبت این بزرگواران است. از پروردگار سبحان طول عمر و سلامتی و تداوم فرزانشان را طلب می کنم.

در ضمن از آقای دکتر نجفداری که خصوصاً در انتخاب موضوع مرا یاری کردند و استاد محترم آقای ابوالحسن نجفی که در بخش لغت های خارجی از محضرشان سود برده ام و از آقای دکتر انوری، خانم دکتر فاضلی پور، خانم نسرین حکمی، خانم الحاوی (بابت لغت های عربی) و خانم دکتر محمدی بدر و خانم آکسان بهشتی<sup>۱</sup> (بابت لغت های روسی) و خانم ماهرخ نائینی (بابت تایپ) گردانندگان کتاب خانه ی پژوهشگاه علوم انسانی که هر یک در بخشی راهنما و سامان بخش کار این جانب بودند، بی نهایت سپاسگزاری می نمایم.

در پایان از پدر و مادر بسیار عزیزم که همواره در امر تحصیل مشوق من بوده اند و از همسر و فرزندان مهربانم که در طول تحصیل فرصت مطالعه و تحقیق برایم فراهم کرده اند نیز، سپاسگزاری می کنم.

۱- تلفظ و معنی واژه های روسی به توصیه استاد محترم راهنما با همراهی خانم آکسانا بهشتی، لیسانس ایران شناسی از کی یف اکراین تنظیم شده است.

## فهرست اختصارات

فرهنگ عامیانه ی جمالزاده	(عام.)	آلمانی	(آل.)
عربی	(عر.)	اجتماعی	(اج.)
عامیانه	(عم.)	اقتصادی	(اقت.)
فرهنگ عوام امیر قلی امینی	(عوام.)	فرهنگ ضرب المثل های فارسی	(ام.جامع)
		بهمن دهگان	
فارسی	(فا.)	فرهنگ امثال سخن	(ام. سخن)
فرانسوی	(فر.)	(امثال و حکم دهخدا)	(ام.)
فقهی	(فق.)	انگلیسی	(ان.)
کشاورزی	(کشا.)	بازی	(با.)
فرهنگ کنایات سخن	(کنا.)	پزشکی	(پز.)
الفاظ گر ته برداری شده	(گر.)	پوشاک	(پو.)
گفتاری	(گف.)	تاریخی	(تا.)
گیاهی	(گیا.)	ترکی	(تر.)
معماری	(مع.)	جمع	(ج.)
مغولی	(مغ.)	جانوری	(جا.)
موسیقی	(مو.)	جغرافی	(جغ.)
نگارنده	(ن.)	حضور	(ح.)
نظامی	(نظا.)	(حقوقی)	(حق.)
ورزشی	(ور.)	خارجی	(خا.)
فرهنگ هزاره	(هز.)	خوراکی	(خو.)
رجوع شود به	←	قدیمی	(قد.)
		ر(فرنگی)	(ر(فرنگی))
		دیوانی	(دی.)
		ساختمانی	(سا.)
		سیاسی	(سی.)
		ضرب المثل	(ض.)

\* توضیح اضافی یا توضیح از منبعی دیگر

### جدول آوانگاری

واکه های مرکب			واکه ها				
دولت	do[w]lat	-o[w]	و	دست	dast	a	ا
موز	mo[w]z			دل	del	e	ا، آ
ماس	māws	-āw	او	خانه	xāne		
دی	dey	-ey	ی	گل	gol	o	ا
سشوار	sešu <sup>v</sup> ār	- <sup>v</sup> ā	وا	موتور	motor		
توالت	tu(o) <sup>v</sup> ālet			باز	bāz	ā	ا، آ
موزیسین	muzisiyan	-iya	ی	داس	dāz		
سه	siyah			پیر	pir	i	ی، ی
پیانو	piyāno	-iyā	یا	ماهی	māhi		
سیاه	siyāh			روز	ruz	u	و
				چوب	čub		
همخوانی							
خرس	Xers	X	خ	جزء	joz'	ء، ا، آ، و، ی، ع	
دود	Dud	D	د	اسب	'asb		
ذرت	Zorrat	z	ذ، ز، ض، ظ	مأمور	ma'mur		
میز	miz			سؤال	so'āl		
ضرب	Zarb			رئیس	ra'is		
ظرف	Zarf			علم	'elm		
رنگ	Rang	r	ر	عود	'ud		
مژه	Može	ž	ژ	بعد	ba'd		
شیشه	šiše	š	ش	فعال	fa''āl		
غاز	qāz	q	غ، ق	مانع	māne'		
قاشق	Qāšoq			ببر	babr	b	ب
فیل	Fil	f	ف	پدر	pedar	p	پ
کیف	Kif	k	ک	تور	tur	t	ت، ط
گرگ	Gorg	g	گ	طبل	tabl		
بلال	Balā	l	ل	ثلث	sols	s	ث، س، ص
مادر	Mādar	m	م	سبز	sabz		
پنبه	Pambe			صورت	surat		
نان	nān	n	ن	جوجه	juje	j	ج
گاو	Gāv	v	و	چوب	čub	č	چ
یک	Yek	y	ی	حرف	harf	h	ح، ه
چای	Čāy			ماه	māh		
* نشانه ی نوشتاری آ و ا مرکب از همخوان ' + واکه ā است: ab āb، ma'āxez مأخذ							

## پیش گفتار

فرهنگ مجموعه ای از عناصر کلامی یک قوم و ملت در یک دوره ی زمانی معین است. عناصری است که از طریق گفتار و نوشتار، میان افراد ارتباط برقرار می کند و انتقال تجربه ها، آرزوها دانش ها و ... را ممکن می سازد. مفاهیم و عناصر انتقال دهنده برای همه ی افراد باید معنی های یکسانی را القا کند. این امر زمانی میسر می شود که اصطلاحات شناسایی و فرق آن ها با یکدیگر مشخص گردد و معلوم شود که کدام اصطلاح عامیانه است و کدام گفتاری. کدام متداول است و کدام منسوخ و قدیمی و... اما باید توجه داشت که مرز میان زبان عامیانه و گفتاری و میان زبان گفتاری و زبان معیار را، به طور دقیق، نمی توان مشخص کرد و تعیین مرز آن ها بسیار دشوار و پیوسته، در تغییر و تحول و جا به جایی است. لذا، در این بخش لازم می نماید که تعریف هایی از اصطلاح، تعبیر، اصطلاح عامیانه و ضرب المثل ارائه شود:

### • اصطلاح (Idiom):

ناظم الاطباء گوید: «لغتی است که جمعی برای خود وضع کنند و یا معنایی که برای لفظی وضع کنند، غیر از معنای اصلی و معنای موضوع آن» در فرهنگ سخن نیز، چنین آمده: «از نظر زبان شناسی زنجیره ای از واژه ها است که معنای کل آن را نمی توان از معنای یک یک تک واژه های سازنده اش دریافت، مانند: نخود هر آش بودن».

### • تعبیر (Interpretation):

تعبیر کردن در فرهنگ دهخدا چنین آمده: «تفسیر کردن سخن را؛ معنی را به گونه ی الفاظ در آوردن با تفسیر، تأویل و بیان و توصیف و گزاره و گزارش.» در فرهنگ سخن این گونه تعریف شده «کلمه یا مجموعه ای از کلمه ها که با آن مفهومی بیان می شود».

### • کنایه<sup>۱</sup> (Kenning):

استاد همایی در کتاب فنون بلاغت و صناعات ادبی کنایه را این گونه تعریف کرده: «در اصطلاح، سخنی است که دارای دو معنی قریب و بعید باشد و این دو معنی لازم و ملزوم یک دیگر باشند، پس گوینده آن جمله را چنان ترکیب کند و به کار برد که ذهن شنونده از معنی نزدیک به معنی دور منتقل گردد.» پس می توان گفت که کنایه نوعی اصطلاح و تعبیر است و به صورت «اصطلاح کنایی» یا «تعبیر کنایی» به کار می رود.

۱- معادل انگلیسی کنایه و اصطلاح عامیانه به نقل از آقای دکتر سیروس شمیسا می باشد.

« یکی از علت‌های تولد اصطلاح و تعبیر کنایی گسترده کردن دایره‌ی معنی است. چون تعداد واژگان هر زبانی محدود می‌باشد، بشر با آفرینش تعبیرات و اصطلاحات کنایی و هم‌چنین مجاز و استعاره توانسته است به این محدودیت وسعت بخشد » این‌گونه عناصر زبانی یک ذخیره‌ی چند لایه و متنوع و رنگارنگ تشکیل می‌دهد که در گفتار اهل زبان و در بسیاری از جلوه‌های ادبی نمودار است»<sup>۱</sup>

زبان فارسی زبان کنایات است. در بسیاری موارد مجبوریم برای توجیه و تفسیر یک کنایه از کنایات دیگر استفاده کنیم. واژه ممکن است مدتی متداول باشد و سپس از دایره‌ی تداول خارج گردد ولی معنای آن تغییر نمی‌کند و با مراجعه به کتاب لغت مناسب می‌توان معنای آن را پیدا کرد. ولی اصطلاحات و تعبیرات تابع مقصود واضع آن و زمان خود می‌باشند و می‌توانند در دوره‌های مختلف بار معنایی متفاوتی داشته باشند. مثلاً « سخن تخمی » امروزه به معنای سخن سخت بی‌محتوا به کار می‌رود ولی در گذشته‌ی نه‌چندان دور، در کتاب شرح زندگانی من به معنای « سخن پر مغز و پر محتوا » استفاده شده است. (۶۰۴/۳)

لذا، اصطلاح می‌تواند بیان‌کننده‌ی فرهنگ، نوع رفتار و گفتار آدمیان عصر خود باشد. کنایه روز به روز در حال افزایش است. به خصوص، در عصر حاضر که علوم و فنون دایم در حال گسترش اند و نیاز به ارائه‌ی اصطلاحات جدید نیز، روز افزون می‌شود.

یکی از عوامل ایجاد کنایه تغییر در شوون زندگی است. برای مثال، گوش به راه بودن که امروز کنایه از انتظار است، زمانی امری حقیقی بود. زیرا واقعاً، کسانی بودند که گوش بر راه و بر زمین می‌گذاشتند و از آمدن سوار، دیگران را آگاه می‌کردند و ظاهراً، چشم به راه بودن از گوش به راه بودن و مفهوم انتظار باید ساخته شده باشد.

### • ضرب المثل (Proverb):

ضرب المثل در کتاب مثل‌های فارسی نوشته‌ی میرزا صادق صادقی اصفهانی در فصل هشتم، در علم امثال، این‌طور تعریف شده است: «و آن عبارت است از معرفت اقوال سایر که نزدیک ظهور حادثه یا جهت تمثیل حالی به حالی، ایقاع کرده باشند؛ یا غرابتی که در او بود. قال الله تعالی « و یضرب الله الامثال للناس لعلهم یتذکرون: می‌زند خدای مثل‌ها برای مردمان شاید که ایشان دریابند که مثل تصویر معانی است در آئینه‌ی افهام و نزدیک گردانیدن معقول به محسوس. » مثل‌ها و حکمت‌ها از زندگی مردم پدید می‌آید و پیوند آن با عامه ناگسستگی است. این عبارات کوتاه و عامیانه مولود تفکر و اندیشه‌ی مردم ساده‌ی، اکثر، روستایی و عشایری است که از دیر زمان سایر و رایج شده و دهان به دهان و سینه به سینه از نسلی به نسل بعدی رسیده و چون در جایی مکتوب نمی‌شده، این نقل و انتقالات موجب از بین رفتن امثال و حکم شده و داستان به وجود آورنده‌ی مثل‌ها را از بین برده و احتمالاً، در آن چه باقی مانده تغییر و تحریف ایجاد کرده یا مثل را کوتاه و ناقص نموده است.

« در این باره انجوی شیرازی می گوید : «به یقین می دانم که در برابر یورش آن ضد فرهنگ پر زرق و برق ، فرهنگ مردم نخستین قربانی است»<sup>۱</sup>. پس به سبب مکتوب نشدن و یورش فرهنگ غرب، در حفظ و نگهداری امثال و حکم سهل انگاری شده است.

زبان شیرین فارسی در نتیجه ی فکر موشکاف و طبع بذله گوی ایرانی از لحاظ امثال و حکم، از غنی ترین زبان های دنیاست و از دیر باز در ادبیات منشور ما رخنه کرده. مرحوم یحیی آرین پور در کتاب « از صبا تا نیما» ضرب المثل را این چنین تعریف کرده : «ضرب المثل در میان مردم و از زندگانی مردم پدید می آید و با مردم پیوند ناگسستنی دارد. این جملات کوتاه و زیبا مولود اندیشه و دانش مردم ساده و میراثی از غنای معنوی نسل های گذشته است که دست به دست و زبان به زبان به آیندگان می رسد و آنان را با آمال و آرزوها، با غم و شادی، با عشق و نفرت، با ایمان و صداقت و یا اوهام و خرافات پدران خود آشنا می کند»<sup>۲</sup>.

به قول انجوی شیرازی<sup>۳</sup> «امثال و حکم یکی از کهن ترین تراوش های ذهن و اندیشه ی روشن هوشمندان گمنام است که از دور دست های تاریخ به یادگار مانده است. به همین سبب مانند کتیبه ها و دست نبشته های باستانی اعتبار و سندیت بی گفتگو و خدشه ناپذیر دارد.»

امین خضرای در مقدمه ی فرهنگ نامه ی امثال و حکم ویژگی های مثل را بر می شمرد و می گوید :

« جمع آوری مثل ها آسان است ولی شناخت و درک آن ها نیاز به تعمق و تفکر دارد» و سپس چند ویژگی برای آن بیان می کند که عبارتند از :

« ۱- کوتاهی و کمیت لفظ، ۲- روشنی و خوبی تشبیه ۳- لطف کنایه و این آخرین پایه ی بلاغت است که بالاتر از آن ممکن و متصور نیست. سر و انتس<sup>۴</sup> شاعر اسپانیایی می گوید: «مثل جمله ی کوتاهی است که از تجربه ی دراز تولد یافته و می یابد. مثل جمله ای است مختصر و مشتمل بر تشبیه یا مضمون حکمیانه که به سبب روانی لفظ و روشنی معنی و لطف ترکیب، شهرت عام یافته و همگان آن را بدون تغییر و یا اندک تغییر در محاوره به کار برند.»

دکتر انوری در مقدمه ی فرهنگ امثال، تمثیل و ضرب المثل را جدا می کند و می نویسد: « در کنار مثل اغلب ، سخنان حکمت آمیز و شعر مثل گونه و تعبیر، نیز، به کار می رود. ولی باید دانست که آن ها با مثل قرابت و تشابه دارند ولی عین مثل نیستند. سخنان حکمت آمیز، اغلب، گوینده ی مشخص دارد، مثلاً، بسیاری از عبارات سعدی در گلستان از این زمره است کلمات قصار نیز، از این دست هستند اما تعبیراتی که در کتب امثال جایگاه معتنا بهی را اشغال کرده است، اصطلاحاتی است که جنبه ی لغوی دارد و می توان آن ها را به صورت مصدری بیان کرد و در کتاب لغت آورد و ربطی به امثال ندارند. مانند: ما آردمان را بیخته والکمان را آویخته ایم؛ که می توان آن را به صورت « آرد خود را بیختن و الک خود را آویختن» در آورد و معنی کرد. مثل با تمثیل متفاوت است . تمثیل قصه های کوتاهی است که برای تایید منظور به

۲- نقل از مقدمه ی ریشه های تاریخی امثال و حکم

۱- از صبا تا نیما، یحیی آرین پور، جلد ۳، ص ۴۵۱

۲- نقل از مقدمه ی ریشه های تاریخی امثال و حکم

۳- Cervntes, Mguel de -



کار می رود. همه ی قصه های منظوم و منثور فارسی و هم چنین این گونه آثار ادبی زبان های دیگر مثل داستان های لافونتن در زبان فرانسه تمثیل هستند. بعضی از مثل ها هم می توانند نتیجه ی یک تمثیل باشند.»

### • چرا زبان فارسی دارای امثال فراوان است؟

دکتر انوری در این باره می نویسد: « نخست این که زبان فارسی در این دوازده قرن اخیر، تطور کندی داشته است. وبه همین دلیل است فارسی زبانان آثار شاعران و نویسندگان قدیم خود را می فهمند. بر خلاف بعضی زبان ها مثل انگلیسی که آثار صد سال پیش از خود را نمی فهمند. دوم این که ملت ایران ملتی بوده که در طی دوران، روزهای عظمت آمیز و ایام محنت خیز بسیار داشته است و با بسیاری از اقوام، مثل یونانی و ترک و مغول و عرب آمیخته و خود را نباخته است. این ها همه تجربه است و تجربه در کلام بیان می شود و کلام از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود و در جمله های کوتاه تبلور می یابد و مثل زاییده می شود. در ضمن بعضی از داستان ها شأن نزول دارند و بدون آن درکشان سخت می شود اما بعضی هم روشن و مفهوم می باشند.» مأخذ.

### • فایده های امثال:

مثل از دیدگاه های مختلف قابل بررسی است. مثلاً از دیدگاه روان شناسی اجتماعی، خلیقات یک ملت را می توان از درون آن ها به دست آورد. از دیدگاه ادبیات تطبیقی می توان مثل های یک ملت را با دیگر ملت ها سنجیده، اخذ و اقتباس آن ها را از یکدیگر و هم چنین، توارد و انطباق آن ها را بررسی کرد. در این وادی است که در می یابیم بعضی حقایق جزو مشترکات بشری است و اختصاص به یک قوم و ملت ندارد.

هم چنین است مطالعه ی امثال از دیدگاه فرهنگ نگاری. چه، لغات قدیمی در مثل ها مندرج است و مثل ها شاهد های خوبی برای کتاب لغت به شمار می رود. از دیدگاه علوم اخلاقی اجتماعی چکیده ی افکار قرن های متمادی که از راه تجربه حاصل شده، در مثل نهفته است اما همه ی مثل ها حاوی نکات اخلاقی نیستند و در برخی بد آموزی هایی نیز، وجود دارد.

ملتی که در طی دوران تجربه های تلخ و درد آلود داشته باشد، طبعاً، نمی تواند همه ی مثل هایش رو به روشنی و صفای انسانیت باشد. روحیه ی فردگرایی ریا کارانه، اعتقاد به اوهام و جبر عامیانه و بخت و اقبال، سپردن سرنوشت به دست تصادف و بسیاری خصال نامبارک دیگر، متأسفانه، در میان ملت ما هست و در مثل های فارسی انعکاس پیدا کرده است. نتیجه آن که هر امر ناروایی که از سوی حاکمان و یا عامه ی مردم دیده ایم، زبان به اعتراض نگشوده ایم ولاجرم، ملتی چنین ترس خورده و زبون ریایی بارآمده ایم.<sup>۱</sup>

ملت ما نیاز به یک نهضت و تسلیح اخلاقی دارد و پیداست شرط به وجود آمدن این نهضت نقد خویشستن و اشعار به عیوب خویشستن است. تا درد شناخته و به آن اذعان پیدا نشود، درمان شناخته نمی‌گردد و یکی از راه‌های شناخت عیوب توجه به امثال فارسی است.<sup>۱</sup>

### • اصطلاح عامیانه (Vulgar-Slang):

برای توضیح اصطلاح عامیانه بهتر است زبان معیار را تعریف کنیم. زبان معیار: زبانی است که به صورت رایج‌ترین وسیله‌ی ارتباط (تفہیم و تفہم) میان طبقات و قشرهای مختلف جامعه در کشوری معین به کار می‌رود. زبان متداول در سخنرانی‌ها، در کلاس‌های درس، در رسانه‌ها، در مجامع رسمی، چه به صورت کتبی و چه به صورت شفاهی، معمولاً، همین زبان معیار است که آن را زبان مشترک نیز می‌گویند. اما زبان فارسی در مرتبه‌ی گفتار شیوه‌های بیانی دیگری هم دارد که آن‌ها را زبان روزمره و زبان عامیانه نامیده‌اند. زبان روزمره همان زبان محاوره‌ی رایج، زبان مردم فرهیخته یا نیمه‌فرهیخته و حتی زبان نوشتاری کم و بیش آزادی است که فی‌المثل، در مکالمات شخصیت‌های داستان به کار می‌رود و کاربرد آن دلالت بر روابط دوستانه یا هم‌پایه میان گوینده و شنونده می‌کند. زبانی است که افراد خانواده در گفت و گو با یکدیگر به کار می‌برند و در ارتباط با مردم نا آشنا، معمولاً، از استعمال آن می‌پرهیزند اما زبان عامیانه نه بر مفهومی اجتماعی - سیاسی، بلکه بر مفهومی اجتماعی - فرهنگی دلالت می‌کند و آن عبارت است از کلمات و ترکیبات زبان محاوره‌ی مردم نیمه‌فرهیخته که بی‌قید و بند، سخن می‌گویند و الفاظی بر زبان می‌آورند که مردم فرهیخته از ادای آن‌ها، خاصه در محافل رسمی، به شدت، احتراز می‌کنند.<sup>۲</sup>

پس به طور خلاصه بری اصطلاح عامیانه می‌توان ویژگی‌های زیر را فهرست کرد:

- ۱- بر مفهوم اجتماعی - فرهنگی دلالت دارد.
- ۲- در نوشتار و گفتار رسمی استفاده نمی‌شود.

### • تفاوت اصطلاحات عامیانه و ضرب‌المثل

تفاوت اصطلاح عامیانه و ضرب‌المثل را نیز، این‌گونه می‌توان برشمرد:

- ۱- اصطلاح عامیانه، شدیداً، در معرض تغییر است در صورتی که ضرب‌المثل این‌طور نیست.
- ۲- اصطلاح عامیانه را می‌توان تاویل به مصدر و آن را صرف کرد. مثل سر آن را خوردم، سر آن را خوردی و ... در حالی که ضرب‌المثل را به خصوص اگر به شعر باشد، اصلاً نمی‌توان تغییر داد و به صورت عبارت و به نثر هم اگر شود، تغییرات جزئی است.

۲- مقدمه‌ی فرهنگ امثال سخن  
۱- مقدمه‌ی فرهنگ فارسی عامیانه ابوالحسن نجفی

۳- بسیاری از اصطلاحات عامیانه در ترجمه به زبان خارجی به طور لفظ به لفظ بی معنی می شود و یا معنی ای غیر از آن چه می خواهیم در می آید؛ ولی ضرب المثل اگر توجه شود، معنی دار است و یا معادل آن در زبان بیگانه وجود دارد. مثل چراغی که به خانه روا است به مسجد حرام است. معادل فرانسوی آن پوست به تن از پیراهن به آن نزدیک تر است.

۴- ضرب المثل چکیده‌ی تجربه‌ی یک ملت و برخوردار از فرهنگ است و ایجاز دارد و ابراز آن ارائه‌ی یک حکم کلی از یک تجربه‌ی زندگی است.

۵- ضرب المثل گوینده‌ی مشخصی ندارد.

یوسف جمشیدی پور در فرهنگ ضرب المثل‌های شیرین فارسی در این باره می گوید « امثال و حکم ابزار دست آدمیان است و این عبارت که به ظاهر، از چند کلمه تشکیل شده در باطن دنیایی از معنی را در خود نهفته دارد.»  
با توجه به تعریف‌ها و بیان تفاوت‌ها که نقل از فرهنگ‌های مختلف و اساتید فن بود، می توان نتیجه گرفت که هنوز، تعریف جامع و مانعی برای انتخاب اصطلاح، اصطلاح عامیانه و ضرب المثل در نظر گرفته نشده است و مرز علمی و متقن بین آن‌ها وجود ندارد. امید است که استادان فن با شور و مشورت و انتقال تجربه‌ها، در آینده، با ارائه‌ی تعریفی واحد که مورد قبول همگان باشد، جامعه‌ی ادبیات را از سرگردانی نجات بخشند.

## فصل اول

### شرح حال و آثار او